

بهره برداری از دریای کنر و اخراج مهاجرین از پاکستان



عنایت نبیل بارکزی

در این یکی دوسالی که سروکارم با فیسبوک افتیده است و همچنان در بعضی صحبت‌های تلویزیونی در کشور و هم در تلویزیون‌های مختلف افغانها در خارج کشور، صحبت در رابطه به استفاده از منابع طبیعی افغانستان، از جمله دریا‌های افغانستان صورت می‌گیرد. اگر چه من قبلا طی یک مقاله مفصلی، در سایت حرکت گفتمان ملی، استفاده از منابع آبی افغانستان، چالش‌ها و فرصت‌ها و همچنان قوانین بین المللی (صرف نظر از اینکه ما به آنها الحاق نموده ایم یا خیر) را خدمت دوستان به عرض رسانیده ام، اما از آنجائیکه بیشتر وطنداران و حتی اعضای گفتمان ملی، شاید فرصت آنرا پیدا نکرده باشند، آنرا مطالعه نمایند، اینک در رابطه به این مساله یکبار دیگر میپردازم. البته این بار صرف در مورد امکانات بهره برداری از دریای کنر که بنا به اخراج ناجوانمردانه و غیر انسانی مهاجران افغانستان توسط حکومت پاکستان، زیاد اوج گرفته و سر زبانها است، مطلب چندی را با دوستان شریک سازم.

بعضی از وطنداران ما که احساس وطندوستی شان قابل تحسین و ستایش بوده و ناراحتی شان در مورد پاکستان قابل درک است، متأسفانه قضیه را خیلی ساده پنداشته و فرمایشات شانرا در فضای مجازی پست نموده یا در تلویزیونها، در مورد به بحث میپردازند. مثلاً آنها فکر نه نموده به این مطلب توجه نمی نمایند که این دریا یکی از معاونین دریای کابل است و دریای کابل در ناحیه اتک به دریای سند می ریزد، یا اینکه دریای کابل یکی از معاونین دریای سند است – و بنا هر اقدامی که در مورد بهره برداری از دریای کنرو یا دریای کابل صورت میگیرد، بر دریای سند تاثیر داشته و ضرورت می افتد با کشور پاکستان که دریای سند در جغرافیای آن جریان دارد، باید تفاهمی صورت گیرد. نکته قابل تذکر این است که عده زیاد این دوستان بهره برداری از دریای کنر را بحیث یک گزینه یا عمل انتقامجویانه و برای جزا دادن پاکستان، پیشنهاد می نمایند. بعضی ها حتی میگویند، دریای کنر دریای خود ما است و آب آنرا باید کاملاً مهار کنیم. این دوستان غافل از آنند که دریای کنر تا قبل از داخل شدن به سرزمین ما، بنام دریای چترال هم یاد میشود، 480 کیلومتر طول دارد و از منطقه خیبر پختونخواه در پاکستان سرچشمه گرفته و بعد طی مسافتی در آنکشور به افغانستان داخل میشود. یعنی هرگاه کشورها بنابر خصومت حق مهار کامل آب دریا‌های را که از کشورشان سرچشمه گرفته است، بخود بدهند، پاکستان، روزی این حق را بخود خواهد داد، آب دریای کنر را قبل از رسیدن به

افغانستان مهار نموده و یا مسیر آنرا تغییر دهد (البته هر دو عمل در مغایرت با قوانین بین المللی و تعامل مروج جهانی است. البته مقدار آبی که از دریای چترال که بعدا مسمی به دریای گنر میگردد به افغانستان جریان میکند معادل 10 km3 میگردد، یعنی باقی آب دریای گنر در خود افغانستان و از منابع داخلی سرچشمه میگردد) بنا در چنین حالت و بنظر من در تمام موارد، نباید بر مبنای خصوصیت و یا احساسات بیجا، با کشورهای دیگر، یخصوص با همسایگان برخورد نمود. پاکستان حتی یکبار بعد یک آب خیزی شدید (وقوع سیلاب) که صد مه زیادی به مناطقی که در مسیر دریا در پاکستان و افغانستان قرار دارند، وارد نمود بود، بنام جلوگیری از خطرات احتمالی در آینده، مسئله اعمار یک بند رادر میرخانی و اعمار یک تونل را برای سوق جریان آب به دریای پنجکوره طرح نموده بود. که اگر به چنین اقدامی دست بزند، مقدار آب در دریای گنر به شدت کاهش یافته و امکانات بهره برداری برای تولید انرژی و آبیاری را خیلی پاهین خواهد آورد. پس مناسب خواهد بود دوستانی که از همه جوانب مربوط به این دریا و مسایل مربوط با موضوعات تخریکی، اقتصادی و سیاسی آن آگاهی ندارند، از صحبت و ابراز نظرهای آتشین و تحریک آمیز خودداری نموده و یا اینکه اولاً خود را از تمامی جوانب قضیه آگاه نموده و بعداً در فضای مجازی و یا نشستها در این مورد ابراز نظر نمایند. باید علاوه نمایم که ابراز نظریات غیر موثق، غیر علمی و بدون استناد، بصورت عموم عمل شایسته ای نبوده و حتی میتواند سبب ایجاد مشکلات نا خواسته گردد، بنا لازم است از آن احتراز شود.

حالا بیائید کمی درباره امکانات نهایت ارزشمندی که دریای گنر برای تولید انرژی و توسعه زراعت دارد نظری بیفکنیم.

وطنداران ما در مورد اعمار بند گنر صحبت می نمایند، کدام بند؟ در کجا؟ برای چه؟ بند آب گردان یا برای انرژی برق و یا برای هر دو هم زراعت و هم انرژی؟ زیرا منابع مالی برای تمویل هر یک از هم متفاوت بوده و نیازهای تخریکی شان متفاوت است.

دوستان گرامی بر اساس تحقیقات و امکان سنجی که در سال 2014 توسط انجیران موظف شده از بانک جهانی که در سالهای حکومت آقای کرزی صورتگرفت، پیشبینی گردیده بود که بالای بند گنر میتوان شش بند اعمار نمود، که مجموعاً میتواند 2800 (بصورت دقیق 2738) میگاوات برق تولید نمایند. یعنی بند گنر صرف یک بند نبوده و فقط از یک بند و آنهم در یک محل، نمیتوان از آن صحبت نمود.

1- بند شال هفت یونت به ظرفیت 798 میگاوات

2- بند ساگی 5 یونت به ظرفیت 300 میگاوات

3- بند چونک 4 یونت به ظرفیت 390 میگاوات

4- بند داب 4 یونت به ظرفیت 450 میگاوات

5- بند لار سلطان 3 یونت به ظرفیت 390 میگاوات

6 - بند سرتاق 4 یونت به ظرفیت 410 میگاوات

البته اعمار این بندها تا حدودی سبب کاهش جریان آب به پاکستان خواهد گردید (در صورتی که بند آب گردان اعمار شده برای زراعت استفاده شود، طبعاً سبب کاهش آب بیشتر شده و اگر برای تولید انرژی باشد، بعد اینکه کاسه بند کافی پر شد، کمی ای جریان آب آنقدر زیاد بوده نمی تواند). ولی مساله اساسی این است اگر قرار باشد تمویل آن توسط سازمانهای مالی و پولی بین المللی، یا کشورهای دونه، صورت گیرد، باید در مورد پاکستان صحبت شده و به شیوه ای موافقت آنکشور را بدست آورد. در غیر آن سازمانهای مالی و پولی بین المللی بنا به اصول خودشان و اکثر کشورهای دونه هم بنا به

اصول قبول شده بین المللی و دلایل سیاسی حاضر به تمویل آن نخواهند گردید. کشورها صرف در صورت دشمنی با کشور آب شریک، در این مورد دشمنی با پاکستان شاید حاضر به تمویل شوند، یک پروژه ای راکه آب شریکان در مورد دعوی داشته باشند، تمویل کنند. مثلاً هندوستان حاضر شده است بند شاه توت را در حوزه دریایی، دریای کابل تمویل کند. همچنان باید اضافه نمود که طی مراحل که شامل مذاکرات، طرح دیزاین تخنیکی، سروی های مختلف و غیره میگردد، چند سالی را دربر میگیرد. یعنی اگر دوستان ما تصور کرده باشند، اعمار بند کنر، که آنهم معلوم نیست هدف شان کدام یکی از بندهای شش گانه ای که در بالا از آن نامبرده شد، میباشند، در جواب اخراج مهاجرین، یک عمل بالمثل دارای تاثیر فوری ای است، برداشت دقیقی از موضوع ندارند.

بعضی وطنداران در مورد این دریا و سایر دریاهاى ما که به کشورهاى همسایه جریان دارد، پیشنهاد مهار کامل را به مفهوم مجازات کشورهاى همسایه ای که با ما بد رفتاری می نمایند، بکار می برند. به این دوستان باید عرض کرد، این نوع حرفهای فیشنی و به اصطلاح از موضع قدرت، عملی و امکان پذیر نبوده و آنها به اصطلاح با به نمایش گذاشتن احساسات بی فایده شان، هیچ خدمتی به کشور و مردم نمی نمایند. چرا؟

اولاً نه ما و هیچ کشور دیگری حق ندارد کشور دیگری را از آب دریاهاى شریکی محروم نماید، البته شیوه سهم هر کشور، که نظر به هر دریا و شرایط هایدرولوژیک و بعضاً تاریخی فرق می کند، فورمول های خاصی دارد که در قراردادهای تقسیم آب استفاده شده، و بحیث یک ریفرنس ویا موخذ ویا مثال میتوان از آن استفاده نمود.

دوماً مهار کامل آب دریاها بصورت عموم از نظر تخنیکی عملی نبوده و شاید قیمت مهار کامل آب بمراتب از منفعت احتمالی حاصله و یا پیشبینی شده آن بیشتر گردد.

ثالثاً برای یک کشور محاط به خشکه که ملیونها مهاجر آن در کشورهاى همسایه سکونت داشته توان پذیرائی تعداد زیاد آنها را در کوتاه مدت وحتی میان مدت نداشته و از نظر توانائی نظامی، سیاسی و اقتصادی بمراتب نسبت به آن همسایگانی که در مسائل آب مشکل خلق می نمایند، ناتوانتر است، بادشمنی و خصومت در مساله آب یا هر مساله دیگر برخورد نمودن، کار عاقلانه ای نیست. حکومت داری، تعقل نیاز دارد، با احساسات بیجا و شعارهای میان تهی نمیتوان، بطور موثر و موافقانه حکومت نمود. البته همه ما میدانیم که ما یک کشور محاط به خشکه بوده و ملیونها هموطن ما در کشورهاى همسایه زندگی نموده عده زیادشان از طریق کار و تجارت امرار معاش می نمایند. این را باید علاوه نمود که تذکر این ناگزیریهها به مفهوم تسلیم شدن به کشورهاى همسایه نبوده، بلکه به مفهوم آن است، که در هر مذاکره و برخورد باید، این حقایق را نز نظر نباید دور داشت.

میخواهم از وطنداران بپرسم، آیا بهتر نخواهد بود، آبهای فراوانی را که خداوند (ج) برای ما ارزانی نموده است، در عوض اینکه وسیله "تقابل" با همسایه ها بسازیم به وسیله "دوستی" تبدیل کنیم. شاید حرکت مثبت ما رویه خصمانه آنها را تا حدودی تغیر دهد. آیا این آرزو عملی شده می تواند. بلی، دردنيا صدها مثال وجود دارد. میخواهم صرف دو مثال را که تا حدودی بما نزدیکتر است، ارایه نمایم.

1) همکاری بین کشور لیسوتو و افریقای جنوبی

2) همکاری بین کشور بهوتان معمولاً بوتان یاد می شود و کشور هندوستان. که در نتیجه هم کشورهاى بالا آب و هم پایین آب از این همکاری منفعت میبرند. (ضرورت توضیحات و ارایه مثالهای بیشتر را در اینجا نمی بینم. دوستانی که علاقمند معلومات بیشتر میباشند، خود میتوانند جستجو کنند، یا بامن مستقیماً به تماس شوند).

ناگفته نباید گذاشت که در جمله همه صحبت‌ها و نوشته‌ها صرف یک صحبت نهایت دلچسپی از یک جوانی را که شاید از مسئولین رده‌های متوسط یا پائینی طالبان باشد، شنیدم که کاملاً مرا متعجب ساخت. این جوان، برخلاف آنانی که مصاحبه‌کنندگان آنها را آگاه سیاسی و دانشمندان خطاب میکردند و آنها سخن از انتقام و دشمنی و استفاد از آب دریای کنر را بحیث یک خطری برای پاکستان وانمود میکردند، با صداقت و صفای خاصی خطاب به زمامداران پاکستانی می‌گفت، ما به هیچگونه نیت سوء علیه همسایه‌ها نداریم. ما نمی‌خواهیم کشوری را از آب محروم بگردانیم. هدف ما از بهره‌برداری از منابع طبیعی ما و از دریای کنر این است تا زراعت و باغداری را توسعه دهیم، کمبود انرژی را تا حدودی مرفوع کنیم تا مردم ما زندگی‌شان بهتر شود. هدف ما به هیچگونه دشمنی با کسی نیست. مطلبی که باید گفته می‌شد، و باید گفته شود.

خوانندگان محترم، در شروع این نوشته من تذکرادم که موضوع بهره‌برداری از دریای کنر، در این اواخر بنابه عمل ناجوانمردانه، غیر انسانی و در مغایرت با میثاق بین‌المللی در پناهندگی، که مورد تقبیح من و همه وطنداران است، زیاد اوج گرفته است. یعنی دریای کنر و مهاجرین همزمان مورد بحث قرار دارد. حالا که به مساله بهره‌برداری از دریای کنر، فرصتها و چالشها پرداختیم، فکر میکنم، بیجا نخواهد در پهلوی تقبیح پاکستان، به بعد دیگر قضیه هم تماس گرفته و چند کلمه‌ای در رابطه به مهاجرین را با خوانندگان در میان گذارم.

دوستان عزیز، حالا در مورد اینکه آیا چرا کشور و مردم ما به مشکل مهاجرت هموطنان ما روبراست؟ مادر حالیکه از مشکلات و طنداران ما سخت اندوهگین هستیم، آیا یکبار از خود پرسیده ایم چرا اینهمه هموطن ما مهاجر شده‌اند؟ چه عواملی بوده که آنها را را به مهاجرت واداشته است؟ آیا نقش احزاب، تنظیمها، رژیمها و حکومت‌های حاکم بر سر نوشت ملت ما در چهل و پنج سال اخیر در مجبور شدن مردم به ترک وطن چه بوده است؟ آیا یکی ما خود بحیث فرد و یا جزئی از حزب و یا تنظیم سیاسی و یا حکومت‌های بر سر اقتدار، در این فاجعه مقصر می‌دانیم؟ من شاهد بسیار صحبت‌های پر حرارت و نوشته‌های انقلابی بوده و میشنوم خیلی‌ها حرف از انسانیت، عدالت، مروت و قانون می‌زنند، و با سخاوت دیگران را، بشمول همسایگان و امپریالسم جهان‌خوار و غیره را مسول این فاجعه می‌دانند، اما کمترین تقصیری را متوجه خود، حزب خود، تنظیم خود و حکومت خود در راندن ملیونها انسان این سرزمین بلا کشیده نمی‌دانند. باشنیدن چنین حرف‌ها و باخواندن چنین نوشته‌های انقلابی در حیرت فرو رفته و به بیچارگی بعضیها، که مسبب مهاجرت عده زیاد هموطنان ما شده‌اند، و جرعت آنرا ندارند که اشتباهات خود و همپیمانانشان را بپذیرند، تاسف می‌خورم. من به این عقیده هستم تا ما مردانه وار به اشتباهات خود اعتراف ننموده و به انتخاب راه معقول یا پالیسی‌های ملی‌ای که اگر خیر همه در آن نباشد، اقلاً به کسی ضرری نرسد، فکر نکرده و آنرا رهنمای عمل خویش نسازیم، وطنداران ما برای دهه‌های زیادی با این وضع اسفبار و شاید هم بدتر در داخل و خارج کشور، روبرو خواهند بود.

به امید روزی که خرد، انصاف و عدالت واقعی را در هر عمل و در تمام عرصه‌ها رهنمای خود قرار دهیم.

دوازدهم نوامبر 2023 - نیویارک